

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۶ اگست ۲۰۲۰

"طالب" و بازی دوگانه پاکستان!؟

سه شنبه- ۰۴ سنبله ۱۳۹۹ - کابل: هرگاه به اخبار روز های اخیر دقت نموده باشید حتماً متوجه شده اید که پاکستان ظرف ۳ روز گذشته، در رابطه با طالب دو موضع ظاهراً متناقض را به نمایش گذاشت. یعنی در حالی که طی اعلامیه رسمی وزارت خارجه آن کشور به مثابه پیروی از قطعنامه ۲۲۵۵ سال ۲۰۱۵ شورای امنیت ملل متحد و فرار از فشار های "FATF" گروه ویژه اقدام مالی علیه پولشویی (Financial Action Task Force on Money Laundering) تعدادی از سران "طالب" من جمله "ملا برادر" معاون سیاسی طالبان را شامل تحریم های آن کشور اعلام داشت، روز گذشته یعنی به تاریخ ۲۴ اگست، هیأت بلند رتبه ای از طالب را که در رأس آنها همان "ملا برادر" قرار دارد، زیر عنوان "تسهیل در آوردن صلح در افغانستان" رسماً به پاکستان دعوت نموده، با تشریفات شادمانی در سطح یک دولت مستقل از آنها پذیرائی نمود که طرف صحبت آنها شخص وزیر خارجه پاکستان "قریشی" بود.

این برخورد ظاهراً دوگانه و متضاد، موضوع یادداشت امروز ما را می سازد:

۱- با شناختی که از رابطه طالب با پاکستان داریم و تاریخ ثابت نموده است که طالب مخلوق پاکستان است که حیات و ممانت آن به دست و اراده پاکستان وابسته است؛ گفته می توانیم که سیاست های متناقض کنونی پاکستان با طالب، ملهم از برخورد ها و سیاست "خدای ادیان" با "مخلوقاتش" می باشد. یعنی به همان سان که "خدا" در مورد بندگان هم "دوزخ" را نشان می دهد و هم "بهشت" را؛ پاکستان نیز با مخلوقش طالب، عین برخورد خدائی را انجام می دهد، از یک جانب آنها را تحریم می نماید و از جانب دیگر شاهانه پذیرائی می کند. در واقع این سیاست "تهدید و تخویف" همزمان با "تشویق و ترغیب" نه تنها با هم دیگر متناقض نیستند، بلکه به مثابه یک زوج دیالکتیکی مکمل همدیگر نیز می باشند.

یعنی بنده در اینجا طالب- باید بفهمد که مقابل کار بدش تحریم، مجازات و جهنم وجود دارد و برای کار نیکش آغوش باز و پذیرائی شاهانه، این بنده- در اینجا طالب- باید خود تصمیم بگیرد، که کدام یک را انتخاب می نماید.

۲- و اما علت این که چرا پاکستان در این مقطع و در بازه زمانی دو روز موضعگیری اش را در قبال طالب تغییر داد، در کنار آن که پاکستان می خواهد با خوشخدمتی به امریکا، مقداری پول به دست آورد، علت اصلی، تشنجاتی است که بین عربستان سعودی و پاکستان در این اواخر به وجود آمده است. تشنجاتی که نه تنها باعث وارد کردن فشار های اقتصادی بر پاکستان از جانب عربستان سعودی گردید بلکه به اهانت های نظامی نیز کشیده شده، در حالی که اردوی

پاکستان علاوه از این که در نقش حافظ خاندان سعودی از سالها بدین سو خدمت نموده است و دشمنان داخلی آن را قلع و قمع کرده است، در مناسبات بین المللی همین اکنون بیشترین بار انسانی جنگ در یمن را بردوش دارد؛ "بن سلمان" ولیعهد عربستان سعودی با امتناع از دیدار با "لوی درستییز" پاکستان بزرگترین اهانت را بر آنها روا داشت.

۳- با در نظر داشت این که حداقل در ۴ دهه گذشته سیاست های ستراتیژیک پاکستان و عربستان سعودی مشخصاً در رابطه با افغانستان در انطباق کامل با هم دیگر قرار داشت و هر دو کشور مشترکاً از ارتجاع مذهبی واحدی حمایت می نمودند، روابط متشنج کنونی آنها به خصوص در رابطه با کشمیر که برای پاکستان مقدستر از قرآن است، باعث می گردد که به موازات تعمیق تشنج بین عربستان سعودی و پاکستان، دوستان، نوکران و غلامان مشترک آنها نیز ناگزیر اند در این درگیری و تشنج متحد و طرف اصلی خود را انتخاب نمایند.

۴- یکی از این نیروها که در سطح جهان و منطقه اینک به کمک هر دو کشور از خود دارای اعتباری شده است، "طالب" می باشد. از همین رو هم پاکستان می خواهد طالب را در نزاع های احتمالی آینده اش با عربستان سعودی درکنار خود داشته باشد و هم عربستان می خواهد، آنها را در رکاب این کشور شمشیر بزنند.

این خواست از دو جانب هرچند می تواند با یک بازی حساب شده برای طالب، امتیازاتی را مساعد سازد و امکان "خوردن هم از آخور و هم از توبره" را برایشان مساعد سازد، مگر این احتمال را نیز زنده نگه می دارد، که از یک و یا از هر دو جانب زیر فشار قرار گیرند.

۵- آنچه در جریان سه روز گذشته اتفاق افتاد به نظر من به هر بهانه ای که باشد، در اساس تلاش پاکستان است تا به طالب تفهیم نماید که بدون پاکستان نمی تواند وجود داشته باشد، آنها می توانند ده ها درب را جارو نمایند مگر می باید به یاد داشته باشند که خالق اصلی و یکتای آنها پاکستان می باشد و نباید هیچ گاهی این نکته را فراموش نمایند: **هیچ قدرتی نیست به جز قدرت پاکستان.**

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزءلایتجزای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!